

تعمید کیف

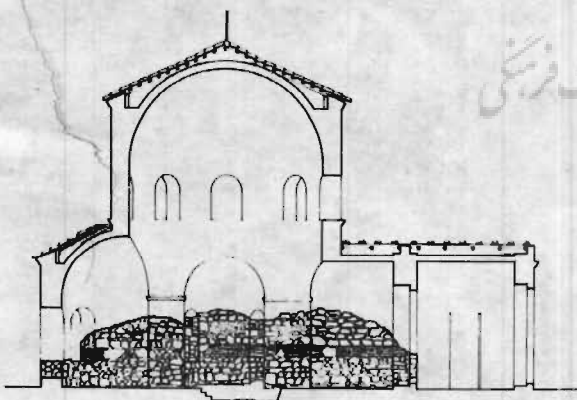
پاریس و. راوشنباخ

هزار سال پیش، ملتی زاده شد

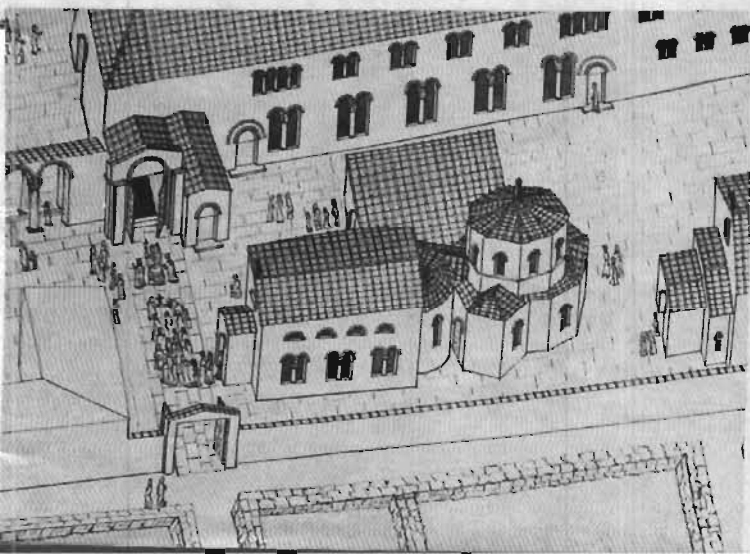
هزار سال قبل، در ۹۸۸ میلادی، امارت اسلاونشین روس کیف، یا روسیه کیف، به صورت یکی از خوشه‌های کشورهای مسیحی اروپا قدم به هستی گذاشت. پیدایش این کشور یکی از پیامدهای دوربرد اصلاحات فتووالی جسورانه‌ای بود که امیر بزرگ، ولادیمیر، در ساختارهای کشور انجام داده بود. وی می‌خواست امیرنشین خود را به پای سلطنتهای فتووالی پیشرفته آن روزگار برساند.

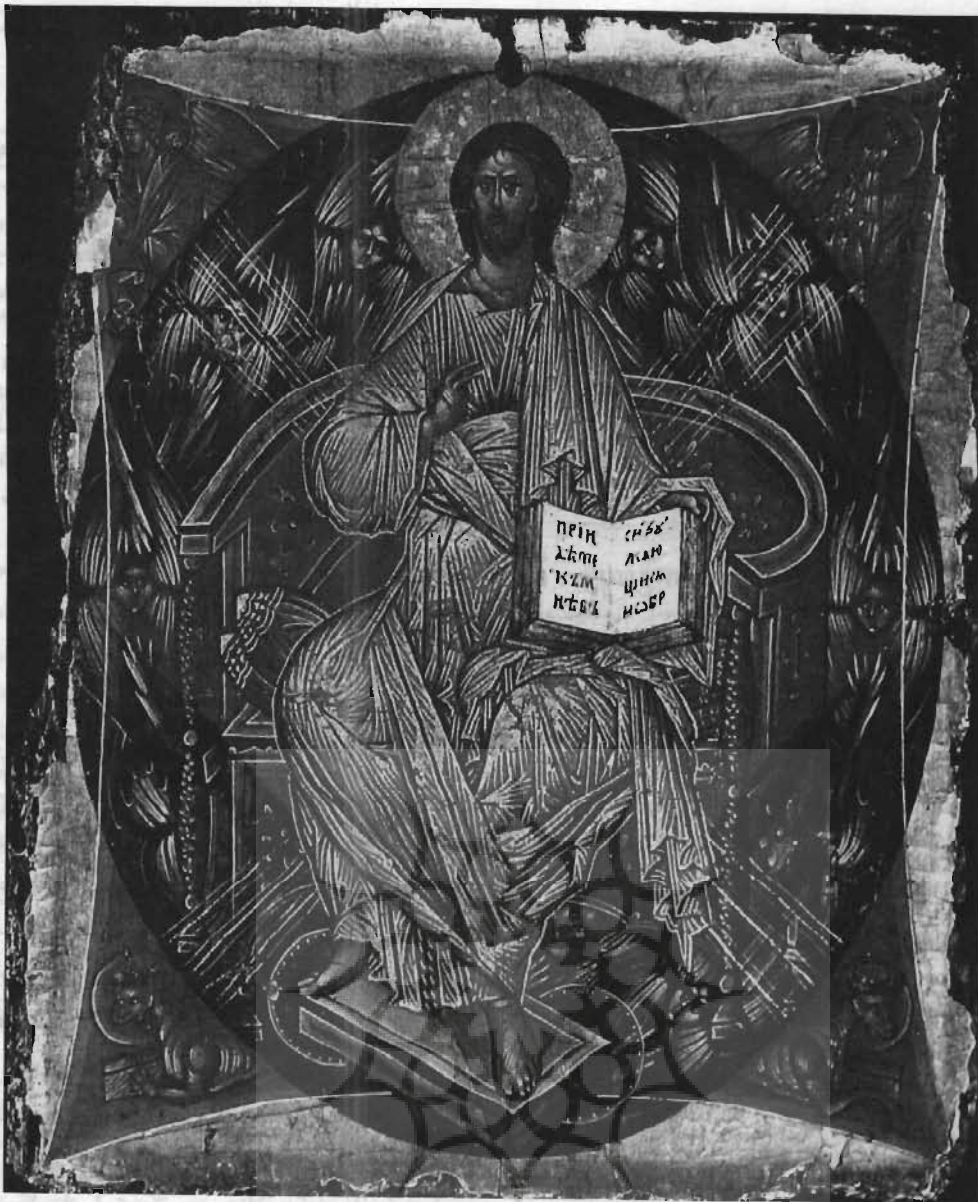
در سال ۹۸۰، ولادیمیر در رأس ائتلافی سست بنیادی از قبیله‌های اسلاو قرار داشت که فقط به زور اسلحه (پادست کم، تهدید دائمی به توسل به زور) گرد هم آمده بودند. امیر جوان برای تقویت این ائتلافیه دو تصمیم مهم گرفت. نخست آنکه در کیف مستقر شد تا بر شریانهای حکومت، که پیشینیانش در لشکر کشیها ماهها و حتی سالها را می‌کردند، تسلط کافی داشته باشد. دوم آنکه سعی کرد قبیله‌های اسلاو را (به اصطلاح امروزی) از نظر ایدئولوژیکی متحد کند و دین مشترکی در میان ایشان رواج دهد.

ولادیمیر پس از آنکه در کیف مستقر شد، احداث استحکامات را در



Foto's © Alle rechten voorbehouden





Kuva © APN, Moskova

منچی بزرگ، تمثالی که آندری روبلف در حدود سال ۱۴۲۰ نقاشی کرد و امروزه در گالری تریاکوف مسکو نگهداری می‌شود. مسیح در عرش در میان سرافیم و ۴ نشانهٔ انجیل نویسان نشسته است (نگاه کنید به تصویر رنگی صفحه ۲۱).

شرق شهر آغاز کرد و نشان داد که می‌خواهد در پایتخت بماند و در برابر چادر نشینان از آن دفاع کند. برای کامیابی در اصلاحات اساسی کشوری لازم بود که زندگی در شهر صلح‌آمیز و توأم با امنیت باشد. ولادیمیر برای حل مسئلهٔ دوم (یعنی وحدت قبیله‌های مؤتلف) ابتدا برای تمام خدایان قبیله‌های اصلی «حقوق برابر» قائل شد (و از این راه گروه‌های پرنفوذتر روحانیان را در مقام برابر قرار داد). مسافرانی که از دور دستها به کیف می‌آمدند می‌دیدند که خدای قبیلهٔ شان همانقدر تقدیس می‌شود که خدایان کیف. باستان‌شناسان کشف کرده‌اند که در کیف شش خدا را می‌پرستیدند.

تدبیرهای پرنس ولادیمیر باعث تقویت کشور شد. اما خیلی زود معلوم شد راهی که او در پیش گرفته است در واقع به جایی ختم نمی‌شود. دو علت برای این امر می‌توان ذکر کرد. اول اینکه حتی پس از ابدکارهای ولادیمیر، بت پرستی باعث استمرار شیوهٔ کهن زندگی می‌شد. این آیین البته با نظام پدرسالاری موافقت داشت اما مانع عمده‌ای در راه شکل‌گیری مناسبات جدید تولید در آن فتودالیسم نوپا به شمار می‌رفت. قانون جدید، رسوم جدید، آگاهی اجتماعی جدید و جهان‌بینی جدیدی مورد نیاز بود. بت پرستی کهن یارای چنین تجدیدی را نداشت، حال آنکه همهٔ این تجددها را در بیزانس می‌شد یافت.

هزار سال پیش، در ۹۸۸ میلادی، امیر بزرگ کیف که مسیحیت آورده بود از مردمان زیر فرمان خود خواست که از او پیروی کنند تا اتحاد سیاسی و فکری‌شان تحکیم شود. تصویر سمت راست در صفحهٔ مقابل، مجسمهٔ مفرغی خیره‌کننده‌ای است (به ارتفاع ۴/۵ متر بر پایه‌ای به ارتفاع ۱۶ متر) که ولادیمیر را با صلیبی در یک دست و کلاهخود شاهانه‌اش در دست دیگر نشان می‌دهد. از این یادمان در سال ۱۸۵۳ برده‌برداری شد. ولادیمیر قهرمان حماسه‌های مردمی شد و کلیسای ارتدوکس او را در شمار قدیسان قرار داد. به عقیدهٔ سرگی بلیایف، متخصص شوروی، ولادیمیر در تعمیرگاه باسیلیکای اوواروف در شهر بیزانسی خرسونسوس در گریحه (نزدیک شهر امروزی سواستوپول) غسل تعمید یافت. تصویر سمت چپ در صفحهٔ مقابل، طرح بازسازی این تعمیرگاه است. بالای آن، نمای قائم تعمیرگاه به همان صورت قرن دهم میلادی است که بقایای دیوارها را به صورت امروزش نشان می‌دهد. طرحهایی از این دست، جزئی از پروژهٔ مرمت این تعمیرگاه است.



Въспомогательный текст на старославянском языке, вероятно, часть церковного документа или летописи, описывающая события, связанные с принятием христианства в Руси.

«تقویم راذیویل» (برگرفته از نام یک امیر لیتوانیایی که صاحبش بود) دستنوشته مصری است از قرن پانزدهم با پیش از ۶۰۰ مینیاتور که بسیاری از آنها از مدلهای بسیار کهنتری اقتباس شده‌اند. در منتهالیه سمت چپ، مینیاتور پرنسس اولگا را می‌بینید. وی نخستین فرمانروای بت‌پرست روسیه کیف (۹۴۵-۹۶۴) بود که مسیحی شد. در سمت چپ، مینیاتوری به تاریخ ۱۰۷۱ میلادی مواجهه مسیحیان و بت‌پرستان را نشان می‌دهد. در گروه سمت چپ، پرنس را با تیرزین و اسقفی را با صلیب و پیروانش می‌بینید. در گروه سمت راست، جادوگری را باردای بلند سفیدرنگ و آستینهای سفید در پیشاپیش ملازمان می‌بینید.

در عین حال استقلال کامل خود را حفظ کند.

ترویج مسیحیت تدریجی بود. صاحب نظران معتقدند که صدسال طول کشید - که با توجه به پهناوری سرزمین روس مدت زیادی نیست. مسیحی شدن سوئد و نروژ که تقریباً همزمان با مسیحی شدن روس شروع شد، به ترتیب ۲۵۰ و ۱۵۰ سال به درازا انجامید.

اصلاحات سیاسی و لادیمیر نیروهای بالقوه‌ای را که تدریجاً در جامعه روس تشکیل شده بود آزاد کرد. پیشرفت سریع این کشور نشان داد که اصلاحات مزبور چقدر بهنگام بود.

استادانی از بیزانس به روس دعوت شدند تا کلیساهای سنگی بنا کنند. آنها عمارت‌های دیگری نیز ساختند و با دیوار نگاشته‌ها، کاشیکاریها و شمایل تزئین کردند. روسها نیز در کنار آنها کار کردند و مهارتهایی آموختند که قبلاً نمی‌دانستند. نسل بعدی بدون کمک چندانی از بیگانگان توانست عمارت‌های استادان‌ای در شهرهای روس برپا کند. در کشاورزی نیز تغییراتی حاصل شد و باغداری و گلکاری در این زمان رواج یافت. روحانیانی که از بیزانس به روس رفتند فقط به امور دینی در کلیساها نمی‌پرداختند، بلکه «رهبران ملی» برای کلیسا پرورش می‌دادند. در نتیجه دانش و سواد گسترش یافت. مدارس گوناگونی تأسیس شد و ولادیمیر فرزندان نجبارا، به رغم اعتراض مادران، در این مدارس نشانده و جوانانی برای تحصیل به سرزمینهای دیگر اعزام کرد. تقویم ایجاد شد. مثل سایر کشورهای پیشرفته، روس کیف سکه طلا ضرب کرد.

رفته رفته، روس قدیم به کشوری برخوردار از فرهنگ پیشرفته تبدیل شد، اما نباید پنداشت که این کشور در دوران بت‌پرستی هیچ فرهنگ اصیلی نداشت. فرهنگ بت‌پرستی مدت زیادی به حیات ادامه داد و ویژگیهای خاص خود را بر هنر روس قدیم باقی گذاشت. بخش جدید این فرهنگ عبارت بود از معلومات و دانشی که قبلاً مردمان با فرهنگ جهان از آثار ارسطو گرفته تا فنون ساخت طاقهای سنگی کسب کرده بودند.

دگرگونیهای دوران ولادیمیر بسیار سریع بود اما اصلاحات فئودالی او در زمان حیاتش تکمیل نشد. این کار به زمان بیشتری احتیاج داشت. کار ولادیمیر را پسرش یاروسلاو خردمند ادامه داد. به قول واقع‌نگاران، ولادیمیر شخم زد، یاروسلاو بذرافشانده و ما (نسلهای بعد) برداشت

دلیل دوم اینکه روس کیف برای همتایی با سرزمینهای مهم اروپا و شرق و به اصطلاح امروزی برای رسیدن به «کلاس جهانی» می‌بایست حرفه‌ها، فنون ساختمانی، علم، فرهنگ و بسیاری دیگر را از این سرزمینها به وام گیرد. همه اینها را نیز در بیزانس می‌شد یافت.

ولادیمیر در انتخاب دین جدید البته مقید به شرایط تاریخی بود اما خود به عنوان مرد سیاست، خردمندی نیز نشان داد. روس با بیزانس که چندان دور نبود پیوندهای اقتصادی محکمی برقرار کرده بود. بلغارها که خوشایوند مردم روس بودند صدسال قبل از آن با تلاش سیریل و متودیوس مسیحیت را پذیرفته بودند. این دو قدیس الفبای اسلاو را ابداع کرده و به زبان اسلاو موعظه می‌کردند. تصمیم ولادیمیر شاید با توجه به این نکته هم بوده که در کلیسای ارتدوکس، برخلاف کلیسای کاتولیک رومی، مردم حق داشتند با زبانی که خودشان می‌فهمند خداوند را عبادت کنند.

در این زمان، بیزانس هنوز در اوج شکوه و جلال خود بود. سنتهای قدیم هنوز در آنجا زنده بود. در مدارس نوشته‌های هومر و دیگر نویسندگان کلاسیک را مطالعه می‌کردند و روح افلاطون و ارسطو در مباحثات فلسفی حضور داشت. مسیحیت بیزانس نیازهای جامعه فئودالی را رفع می‌کرد و لذا با مقاصد ولادیمیر همخوانی داشت. این مسیحیت در عین حال مسئله رواج یک دین واحد را در میان تمام قبیله‌های روس قدیم حل می‌کرد.

چه روس و چه بیزانس، قبول مسیحیت را اقدامی صرفاً دینی نمی‌دانستند. نظر بیزانس به بیان ساده این بود که چون روس به آیین ارتدوکس می‌گردد و رئیس کلیسای ارتدوکس هم کسی جز بطرک و امپراطور بیزانس نیست، روس خودبه خود خراجگزار بیزانس می‌شود. اما کشور روس کاملاً قدرتمند بود و قدرتش رو به گسترش هم بود، و حتی بارها از مصاف با بیزانس کامیاب بیرون آمده بود. از این رو، به هیچوجه نمی‌توانست خراجگزار باشد. ولادیمیر و دربارانش اندیشه‌های دیگری در سر داشتند. فکر می‌کردند که قبول مسیحیت و اقتباس فنون و فرهنگ بیزانس در کنار مسیحیت نباید به استقلال روس خللی وارد کند. به نظر ولادیمیر، روس می‌توانست به کشور دوست بیزانس تبدیل شود و

بر این صلیب سفید سنگی «سرود صلیب» حک شده است که نمونه‌ای گرانها از کتابت روسی در قرن دوازدهم میلادی محسوب می‌شود. این صلیب زمانی در نزدیکی کلیسای شفاعت علیرادر کنار رودخانه نرل قرار داشت (نگاه کنید به عکس ۲۲، صفحه ۱۵) اما امروزه در موزه شهرداری بوگولیو بووو نگهداری می‌شود.



کردیم.

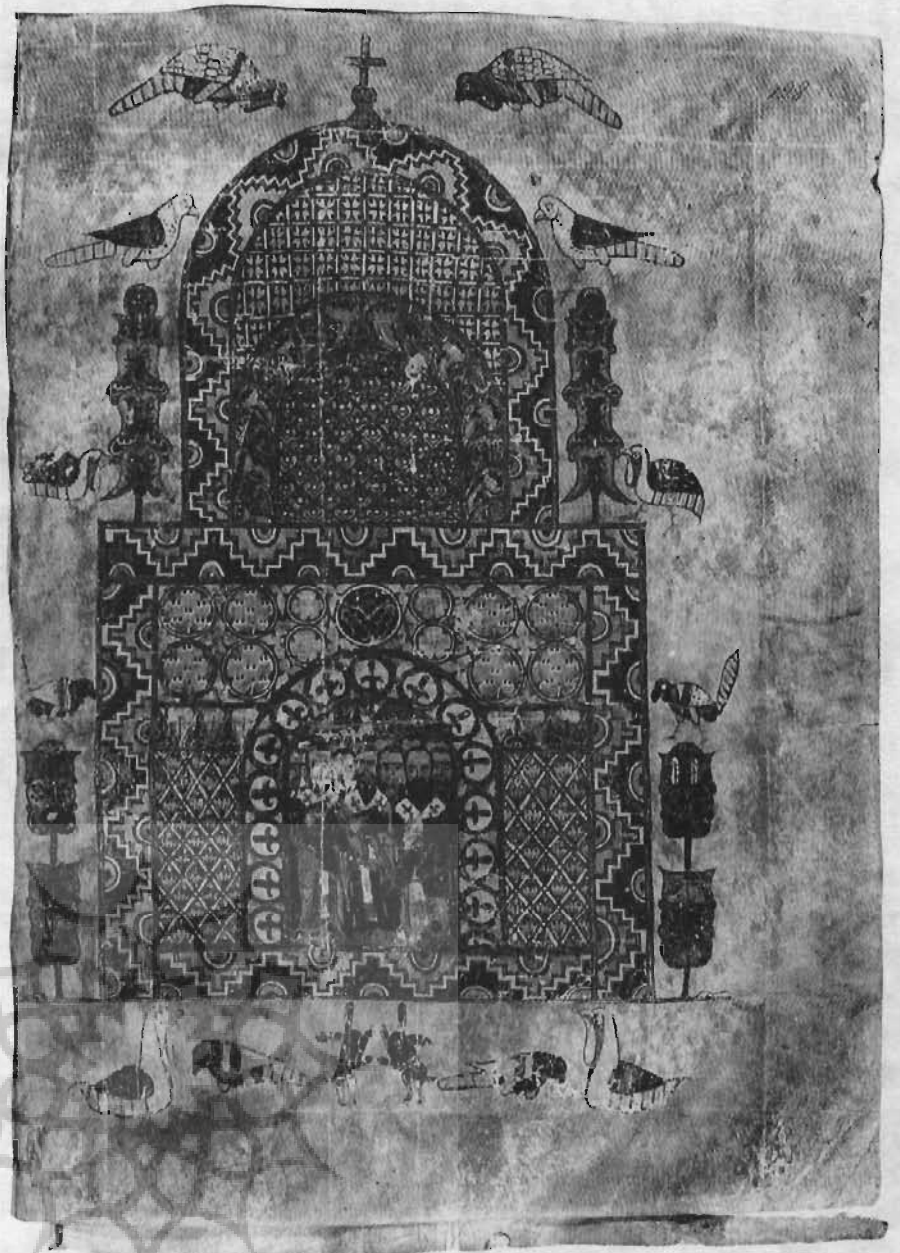
یاروسلاو در ادامه اصلاحات به اندازه پدرش پیگیر بود. وی نیز استحکاماتی برای دفاع از سرزمین خود، البته این بار در غرب، ساخت. وی نیز چون پدر معتقد بود که هیچ چیز نباید مانع اصلاحات فئودالی شود، و به مانند پدر در بنای عمارات سعی فراوان کرد و کوشید کیف را به پای بیزانس (قسطنطنیه بعدی) برساند. در ترویج تجارت کارها کرد و علاوه بر سکه طلا، سکه نقره نیز ضرب کرد.

اما هدف اصلی یاروسلاو ایجاد «روشنفکران» اصیل روس بود. البته تا جایی که بتوان از این اصطلاح در مورد آن روزگار استفاده کرد. ولادیمیر فرصت این را پیدا نکرده بود. پاسوادی به خودی خود کافی نبود. می‌بایست کاری کرد که مطمئن شد روس کیف مجبور نیست روحانیان یونانی «وارد» کند، بلکه علما، نویسندگان و فیلسوفان خودش را داشته باشد و در صورت لزوم بتواند بخصوص علیه ایدئولوژی سلطنتی بیزانس به ییکار ایدئولوژیکی برخیزد. شگفتی آور نیست که نخستین نشانه‌های رهبانیت روسی در روزگار یاروسلاو پیدا شد. فهرستهای قرون پانزدهم و شانزدهم (فهرستهای قدیمتر از بین رفته‌اند) نشان می‌دهد که کتابهای کتابخانه‌های صومعه‌ها بیشتر غیر دینی بودند تا دینی. تقویمها، گزارشهای تاریخی، سفرنامه‌ها یا آثار جغرافیایی، رساله‌های فلسفی و نظامی، و آثار کلاسیکی چون تاریخ جنگ یهود از فلاویوس یوزفوس، از این زمره‌اند. هر راهب دانش آموخته‌ای حتماً تحصیلات جامع‌الاطراف داشت.

تقویمهایی چون تقویم اولیه روس و آثار بحث‌انگیز (غالباً با نیت سیاسی مشخص) نیز در صومعه‌ها نوشته می‌شد. تکثیر کتاب نیز رایج بود. اینکه کتابهای قدیمی (مثل سرود جنگ ایگور) را می‌خوانیم، مدیون ناسخان قدیم هستیم. تمثالها را استادانی چون آلمپی از اهالی کیف می‌کشیدند. روحانیان روسی که جای روحانیان بیزانسی را گرفتند در صومعه‌ها تعلیم دیدند.

در سال ۱۰۵۱ میلادی، بعد از مرگ مطران یونانی کیف، یاروسلاو مستقل از امپراطور یا مطران قسطنطنیه «اسقفها را فرا خواند» و برای نخستین بار یک مطران روس را به نام هیلاریون که کشیشی در روستای

قدمت نخستین آثار ادبیات قدیم روس به اواخر قرن دهم می‌رسد. بیشتر این آثار به صورت مجموعه‌هایی از متون به نام ایزبورنیک به زمان ما رسیده است. سمت راست، صفحه اول ایزبورنیک سال ۱۰۷۳ را می‌بینید که یکی از کهنترین این دستنوشته‌هاست. این ایزبورنیک بر متون بلغاری ترجمه شده از یونانی مبتنی است و برای برنس سویاتوسلاو یاروسلاویچ تدوین شده است و نوعی دایرةالمعارف دینی با بیش از ۲۸۰ مقاله از ۲۵ نویسنده است.



کیف به صورت یک کشور فئودالی رو به پیشرفت درآمد و به پای کشورهای دیگر جهان متمدن آن روز رسید، به طوری که هیچ کشور دیگری از لحاظ ساخت اقتصادی و اجتماعی (فئودالیسم، که به رشد ادامه داد) یا فرهنگ، تجارت و فن جنگ از آن بیشتر نبود. ورود مسیحیت، که شالوده ایدئولوژیکی نظام فئودالی مملکت روس قدیم شد، در اوایل قرون وسطی نقش مترقی بازی کرد. تقسیمات قبیله‌ای از میان برداشته شد. مردم به صورت یک کشور تشکل یافتند و بعدها روسها، اوکراینها و بیلوروسها از آن فراجوشیدند. ■

پاریس ویکتور وویچ راوشنیباخ آکادمیسین شوروی، برنده جایزه نین، و عضو آکادمی بین‌المللی فضاوردی است. او که متخصص در مکانیک، تئوری اختراق و کنترل جهت ناوهای فضایی است، در تدارک نخستین پروازهای فضایی شوروی نقش مهمی داشته است. بعضی از آثار منتشر شده اش عبارتند از مطالعه‌ای در ساختارهای فضایی نقاشی قدیم روس (۱۹۷۵) و مقاله‌ای درباره تمثال‌نگاری به عنوان وسیله‌ای برای انتقال اندیشه‌های فلسفی (۱۹۸۵).

برستووو بود به بطرکی برگزید. کلیسای ارتدوکس روس استقلال خود را اعلام کرد. بطرک هیلاریون بی‌تردید مرد توانایی بود. اثرش به نام «در پیرامون شریعت و فیض» نمونه چشمگیری است از ادبیات روس قدیم که در نبرد برای استقلال روس کیف سلاح ایدئولوژیکی برآیی به شمار می‌رفت.

سوادآموزی و مدرسه‌سازی در زمان یاروسلاو ادامه یافت (آنهم نه فقط در کیف). مدارکی در دست است که نشان می‌دهد در سال ۱۰۳۰ میلادی مدرسه‌ای برای ۳۰۰ کودک در نووگورود تأسیس شد و دانش‌آموزان آن به «یادگیری مطالعه کتاب» پرداختند. مدارس دخترانه‌ای نیز افتتاح شد. از دستنوشته‌هایی که بر پوست گان یافت شده است، درمی‌یابیم که رفته رفته همه مردم شروع به خواندن و نوشتن کردند. یاروسلاو خودش «شب و روز کتاب می‌خواند» و «کتابهای بسیار جمع کرد، کتابهایی از یونانی به زبان اسلاو ترجمه کرد و کتابهای فراوان نوشت». فرهنگ در میان مردم روس قدیم به سرعت گسترش می‌یافت. کشورهای متمدن بدون قوانین مکتوب قادر به ادامه حیات نیستند. یاروسلاو مقررات مکتوبی ارائه داد، از جمله «قانون روسی». کوتاه سخن، در زمان یاروسلاو، این تکمیل‌کننده اصلاحات ولادیمیر، روس